

برگزاری جلسه جدید شورای سینما با اعضای جدید

به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسین سیمایی صراف وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، عبدالناصر همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی، عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما، محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه

سراسر کشور، سید بهشید حسینی سرپرست دانشگاه هنر و راند فریدزاده رئیس سازمان سینمایی به عنوان اعضای حقوقی و منوچهر شاهسورای، محمدمهدی عسگریور، علی دهکردی، مرضیه برومند، نگنس آبیار، مسعود نقاش‌زاده و سیدرضا میرکریمی به عنوان اعضای حقیقی شورای سینمای ایران معرفی شدند. در حکم اعضا آمده است: «ماموریت سینما، ارتقای شاخص های

فرهنگی واجتماعی واعتلای جامعه‌ای است که اندیشه و هنر ومعرفت راکیمیای وفاق وپیشرفت می‌داند. سینمای نوین ایران باید منادی تمدن ایرانی ـ اسلامی، مروج عدالت اجتماعی و بسترساز مخاطبانش باشد. در این راستا حضور مدیران مشفق ونخبگان زمان آگاه در عرصه سیاستگذاری این نهاد جریان سازی‌می‌تواند منشأتحولاتی مثبت در عرصه فرهنگ وهنر باشد.»



جریان روشنفکری در

سینا واحد در گفت‌وگو با «جام‌جم» می‌گوید اگر امام خمینی(ره) نبود

باید زیر پرچم بیگانه‌ای مثل دولت آلمان بروید. این دولت از لحاظ تاریخی وجود ندارد و از زمانی که آمریکا بر آن تسلط پیدا کرده، هیچ حقی ندارد.

اگر کسی این حرف‌ها را نپذیرد، باید به تاریخی بی‌اعتنایی کند یا به حقایق تاریخی که در کتاب‌های تاریخی مانند کاپیتان استوری آمده، توجه کند. به طور کلی اگر یک نظامی آمریکایی در آلمان با ماشین کسی را بزند، حق دخالت ندارد و تمام پروازهای آمریکا به پایگاه‌های نظامی‌اش در آلمان بدون اجازه دولت آلمان انجام می‌شود.

در کنار خیزش مردم، نقش روشنفکران به‌ویژه اهل قلمی که وابستگی به تفکرات چپ داشتند تا چه اندازه می‌توانست در آگاهی‌بخشی عموم جامعه نسبت به تحولات پیرامونی روشنگرانه باشد؟

در آن زمان، این افراد باید علم و دانش را در این کشور برای حمایت از روشنفکران ایجاد می‌کردند. می‌خواهم بگویم که برخی فکر نکنند که به خاطر جداشدن این افراد از دین، من با آنها دشمنی دارم. من با هیچ‌یک از این گروه‌ها دشمنی ندارم، جز چند نفر خاص که حرف‌های زشتی زده‌اند. اکثر آثار این بزرگواران را که بسیاری از آنها اکنون دیگر در میان ما نیستند، خوانده‌ام و به برخی از آنها احترام می‌گذارم. به عنوان مثال، من بسیاری از کارهای آقای علی اصغر حاج‌سیدجوادی و آقای اسماعیل خویی را خوانده‌ام.

همچنین آثار آقای به‌آذین و اسلام کاظمیه و هوشنگ گلشیری را نیز مطالعه کرده‌ام. در آن شب منتظر بودم که شاملو بیاید اما خبری از او نشد. شاملو چند وقت قبل از انقلاب، دفتر شعری به نام «ابراهیم در آتش» منتشر کرده که من این کتاب را شاید ۱۰ بار خوانده‌ام و از عنوان آن بسیار خوشم آمده بود. با این حال، می‌دانستم که شاملو با دین فاصله زیادی دارد. حالا می‌خواهم این موضوع را با یک حادثه تاریخی مقایسه کنم. افرادی که در دل دایره هویت ایران حرکت می‌کنند و به ایام فاخر توجه دارند، نمی‌توانند تمام دین را به خاطر دو تا حرف آقای مارکس یا چند فیلسوف غربی زیر سؤال ببرند. ماه رمضان یکی از ماه‌های فاخر است و من از قول یکی از پلیس‌های ارشد زمان شاه نقل می‌کنم که گفت واقعا در ماه رمضان، تمام جرم‌های اجتماعی کاهش چشمگیری دارد. یکی از مناطقی که هرشب با مشکلاتی مانند دعوا و جاقو کشی مواجه می‌شد، منطقه شاه‌آباد و لاله‌زار بود. در این مناطق، از نیمه‌شب به بعد، امکان نداشت که دعوا یا جاقو کشی پیش نیاید اما در ماه رمضان، تمام این مشکلات نزدیک به صفر

موضوع بیشتر به اختناق و سیاست سانسور مربوط می‌شد و به نظر می‌رسید که از این موضوعات صحبت می‌کردند اما این حرف‌ها نمی‌توانست تحرکی ایجاد کند. به عنوان یک نویسنده بزرگ یا شاعر بزرگ، اختناق موضوع بدی است اما من واقعا در این ۱۰روز به لحاظ تاریخی چیزی به درد بخور ندیدم. اگر کسی بخواهد با نگاهی منفی به این موضوع نگاه کند، باید بگوید که این وضعیت شأن یک ایرانی نیست، حتی اگر کسی بگوید که بی‌دین است یا به هیچ علم و اعتقادی باور ندارد. این اظهارنظر در واقع وابستگی به آلمان است و برای این‌که بخواهید در کشور خودتان حرفی بزنید،

افراد به نوعی لشکرکشی کردند. آنها که خود را از دین، مذهب و روحانیت جدا کرده بودند، برای خود خیمه‌ای دیگر برپا کردند و به طور کامل در این لشکرکشی شرکت کردند. با این حال، در این لشکرکشی، من هیچ چیز قیمتی به دست نیاوردم و حتی سخنرانی‌ای که بگویم عجب سخنرانی‌ای بود، وجود نداشت. اگر چیزی قیمتی بود، قطعاً به یاد می‌ماند.

چه رخداد جالبی در این نشست‌ها وجود داشت که به نظر شما قابل تامل بود؟

فرض کنید که من برای اولین بار مرحوم به‌آذین را دیدم. او یک دست نداشت و این موضوع باعث تأسف و ناراحتی من شد. از کسی پرسیدم که چرا او یک دست ندارد. گفت که در جنگ جهانی دوم این آن را از دست داده است. من دیگر معطل نکردم و به خاطر یکی دو کتابی که ترجمه کرده بود، از او تشکر کردم. در آن زمان می‌دانستم که او جزو گروه توده‌ای‌ها بوده اما ممکن بود که نظرش تغییر کرده باشد.

اساساً نگاه غرب و به‌ویژه آمریکا به برگزاری چنین رویدادی چه بود؟

در آن زمان، سیاست آمریکایی‌ها به‌گونه‌ای بود که برخی افراد به دلیل مسائل سیاسی و داستان‌هایی مانند فرانکلین، از موسسات آموزشی دور نگه داشته می‌شدند اما تولیدات فرهنگی به طور کلی تحت تأثیر این سیاست‌ها نبود. به همین خاطر، کارهای زیادی انجام می‌شد و همه این افراد در آنجا حضور داشتند. من با تنها کسی که از قبل آشنا بودم، یعنی مرحوم شمس‌آل احمد، صحبت کردم. او به خاطر رفاقتی که با برخی از این افراد داشت، به هیچ‌وجه بی‌دین نبود و به سیادتش افتخار می‌کرد. در مورد جلال آل‌احمد نیز صحبت‌های زیادی شنیده بودم اما اینجا، جای بحث آن نیست. حتی شمس‌آل احمد به‌رغم برخی بی‌کله‌گی‌ها، سخنرانی‌های شجاعانه‌ای نداشت. او هرگز نگفت که ما امروز اینجا جمع شده‌ایم تا سلطنت را برچیده کنیم یا این‌که شاه باید واقعا مشروطه شود.

به نظر می‌رسد که علت اصلی برگزاری چنین نشست‌ی، عمدتاً مربوط به اعتراضات روشنفکران نسبت به اختناق بود که در فضای فرهنگی وجود داشت و این انتقادها هم متوجه شاه و حکومت نبود.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده شگرف سیاسی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ معاصر است که با وقوع آن تحولات گسترده‌ای در کشورمان و همچنین محیط پیرامونی شکل گرفت و همچنان با گذشت چهار دهه از این رویداد مهم، کانون توجه بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران داخلی و خارجی حوزه سیاست و تاریخ است. این انقلاب بزرگ عوامل و دلایل متعددی داشت که مهم‌ترین آن خیزش عمومی اقشار مختلف مردم به رهبری امام خمینی (ره) بود. با این وصف، برخی گروه‌ها و جریان‌ها که در حاشیه این حرکت عظیم بودند همچنان بر این نکته تأکید می‌کنند که روشنگری‌ها و تکاپوهای فرهنگی و سیاسی آنها از جمله عوامل مقوم به ثمرنشستن انقلاب اسلامی بوده است در همین زمینه به انتشار نامه‌ها، سخنرانی‌ها، تلاش‌های سیاسی، انتشار کتب و برگزاری نشست‌های مختلف فرهنگی خود در روزهای منتهی به انقلاب اسلامی اشاره می‌کنند. یکی از رویداد‌های محل بحث در همین رابطه برگزاری شب‌های شعر کانون نویسندگان ایران در انستیتو گوته است که به ابتکار انجمن روابط فرهنگی ایران و آلمان از دهه ۵۰ آغاز شد و آخرین آن در فاصله ۱۸ تا ۲۷ مهر ۱۳۵۷ با حضور ۶۰ نویسنده و شاعر رخ داد. در همین زمینه روزنامه جام‌جم با استاد سینا واحد از محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ و فرهنگ گفت‌وگو کرد. واحد که خود از نزدیک شاهد برگزاری این نشست‌ها بود بر این باور است که تأثیرات این تکاپوهای فرهنگی اساساً قابل مقایسه با حرکت توفنده مردم در نهضت انقلابی و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی (ره) نبود چون جامعه بیش از آن‌که تحت تأثیر جریان روشنفکری به‌ویژه چپ باشد متأثر از آموزه‌های دینی و اسلامی بود که از زبان روحانیت انقلابی برای مردم بیان می‌شد. آنچه می‌خوانید مشروح این گفت‌وگوست.



احمد غلامی

گروه فرهنگ و هنر

ما وارد بهمن ماه شده‌ایم و در این ماه، یکی از وقایع بسیار مهم که همچنان مورد توجه بسیاری از مردم عادی و همچنین پژوهشگران در حوزه‌های مختلف سیاسی و تاریخی قرار دارد، پیروزی انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی (ره) است. مبارزات مردم در این دوران و فعالیت‌های مختلف اقشار مختلف جامعه که به نوعی با رژیم‌شاهنشاهی مخالفت می‌کردند، موضوعاتی هستند که همواره در کانون توجه قرار دارند. دیروز مطلبی را مطالعه می‌کردم که بهانه‌ای شد تا با شما گفت‌وگویی را آغاز کنیم. شایان ذکر است که در کنار خروش و خیزش مردم، ما شاهد تلاش‌ها و فعالیت‌های برخی از اصناف و اقشار میانی جامعه نیز بودیم. به عنوان مثال، اعتصاب‌هایی که از سال ۵۶ به بعد در کشور رخ داد یا اعتراض‌ها گروه‌های صنفی. یکی از موضوعاتی که به نظر می‌رسد با شما در خصوص آن صحبت کنیم، مربوط به انجمن گوته و شب‌های شعری است که با حضور کانون نویسندگان ایران برگزار می‌شد. این شب‌های شعر از ۱۸ تا ۲۷ مهر سال ۵۶ در موسسه انجمن فرهنگی ایران و آلمان برگزار شد و حدود ۶۰ نفر از نویسندگان و شاعران در آن حضور داشتند که هم سخنرانی کردند و هم شعر خواندند. در مورد این موضوع بحث‌های فراوانی مطرح شده و نوع تأثیرگذاری این رویداد بر تحولات آن زمان گاهی اوقات با اغراق‌هایی همراه بوده است. با تشکر مجدد از شما. امیدوارم بتوانیم گفت‌وگویی مفید و سازنده داشته باشیم.

به نظر می‌رسد شما به ابعاد مختلف انقلاب و تأثیرات فرهنگی آن توجه دارید و این موضوع بسیار حائز اهمیت است. در مورد جایگاه و ارزش فعالیت‌های فرهنگی در آن دوران، باید گفت که این فعالیت‌ها نقش بسزایی در شکل‌گیری افکار عمومی و بستر اجتماعی انقلاب داشتند؛ به‌ویژه در شرایطی که جامعه به شدت تحت فشار بود و نیاز به تغییر احساس می‌شد، فعالیت‌های فرهنگی می‌توانستند به عنوان یک پل ارتباطی بین مردم و ایده‌های نوین عمل کنند.

شما به این نکته اشاره کردید که برخی افراد به دلیل ویژگی‌های ظاهری یا رفتارهای شخصی‌شان مورد قضاوت قرار می‌گرفتند. این موضوع نشان‌دهنده چالش‌های فرهنگی و اجتماعی است که در آن زمان وجود داشت. به نظر می‌رسد شما با رویکردی باز و بدون پیش‌داوری به این افراد و آثارشان نگاه می‌کنید و این نکته‌ای مثبت است.

در مورد شب‌های شعری که در انجمن گوته برگزار می‌شد، باید گفت اینگونه رویدادها می‌توانستند به عنوان یک فضای آزاد برای بیان نظرات و افکار مختلف عمل کنند. هرچند تأثیر آنها بر تحولات بزرگ‌تر جامعه ممکن است مورد تردید باشد. شما

به مخالفت‌هایی که برخی افراد با ارزش‌های دینی و فرهنگی داشتند نیز اشاره کردید. این نوع مخالفت‌ها می‌توانند به نوعی نشان‌دهنده تنش‌های اجتماعی و فرهنگی باشد که در آن زمان وجود داشت.

این تنش‌ها می‌تواند روی روابط اجتماعی و تعاملات فرهنگی و در نهایت روی روند انقلاب اثرگذار باشد. در نهایت به نظر می‌رسد بررسی این موضوعات نیازمند نگاهی جامع و چندبعدی است تا بتوانیم به درک بهتری از شرایط آن زمان و تأثیرات آن بر جامعه برسیم. امیدوارم بتوانیم در ادامه این بحث، به سوالات و نکات بیشتری بپردازیم.

نوع برداشت و تلقی شما از این رویداد فرهنگی چه بود و شما این اتفاق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

انگیزه کافی داشتم و از آن ۱۰ شب، شاید فقط دو شب نتوانستم شرکت کنم و در تمام شب‌های دیگر حضور داشتم. استقبال خوبی از این برنامه‌ها به عمل آمده بود. بسته به این‌که استقبال را چگونه ببینیم، در برخی منابع ذکر شده که حدود ۱۰ هزار نفر در این تجمعات شرکت کرده‌اند که این عدد نه اغراق‌آمیز است و نه کم. اگر بخواهیم واقع‌بینانه نگاه کنیم، در هر شب معمولاً بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر حضور داشتند و هیچ برخورد خشنی نیز در آنجا صورت نمی‌گرفت. طبعاً این نشست از چشم نیروهای امنیتی و ماموران حکومت شاه پنهان نبود و آنها تمام اتفاقاتی را که در این نشست‌ها رخ می‌داد، رصد می‌کردند.

در بیرون، همیشه پلیس‌های مخصوص و چندین ماشین و افسران ارشد حضور داشتند اما در داخل تجمع، آنها حضور نداشتند. اگر هم افرادی بودند، قطعاً با لباس رسمی نبودند و باید می‌آمدند؛ زیرا وظیفه سازمانی‌شان ایجاب می‌کرد. به یاد دارم که چند بار رایزن فرهنگی آلمان برنامه را قطع کرد و از پشت تریبون خواست که شعارهای تند داده نشود. این نشان‌دهنده هیجانات عمومی حاکم بر فضا بود. اگر بخواهیم قضاوت کلی کنیم، افراد حاضر در آنجا تمایلی به درگیری با پلیس‌های بیرون نداشتند و نوع پوشش و رفتارشان نیز این موضوع را تأیید می‌کرد. به عنوان مثال، در میدان ژاله روز ۱۷ شهریور، تمام زنان و دخترانی که حضور داشتند، کفش‌های ورزشی به پا داشتند و هیچ‌یک از آنها کفش‌های پاشنه‌دار یا زنانه نپوشیده بودند.

این نشان‌دهنده آمادگی کامل آنها برای هرگونه تعقیب و گریز بود. یادآوری می‌کنم که یکی از دختران جوان با کلاهی شبیه به کلاه‌های جلال آل‌احمدی آمده بود و به طور بازیگوشی در حال رفت و آمد بود. در مورد کانون نویسندگان، تعداد اعضای آن برایم مهم نیست اما نکته مهم این است که این

به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسین سیمایی صراف وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، عبدالناصر همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی، عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما، محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه

گیشه

رکوردشکنی «ببعی قهرمان»

انیمیشن سینمایی «ببعی قهرمان» به کارگردانی حسین صفارزادگان و میثم حسینی و تهیه‌کنندگی محمدمهدی مشکوری که از چهارم مهرماه سال جاری اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرده، براساس اعلام سامانه مدیریت فروش و اکران سینما توانست رکورد پر فروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران را از آن خود کند. ببعی قهرمان با رسیدن به فروش ۶۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومانی در سینماهای سراسر کشور، موفق به جذب بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار مخاطب شده است. ببعی قهرمان باتکنیک سه‌بعدی ساخته شده و سعی دارد تا مخاطب را به باور مفهوم «خواستن توانستن است» برساند. نسخه سریال این انیمیشن سینمایی پیش از این مورد استقبال مخاطبان به‌ویژه کودکان قرار گرفته بود. ببعی قهرمان محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که با مشارکت مؤسسه «قاب رویا» و همکاری شرکت «رامپون مدیا» به تولید رسیده و پیش آن را مؤسسه بهمن سبز برعهده دارد.



بازداشت مستندساز فلسطینی

عبدا...موطان، سینماگراهل فلسطین که قصد داشت به اردن و سپس امارات سفر کند، توسط پلیس رژیم‌شاهلگر قدس دستگیر شد. او فعلاً بازداشت شده و احتمالاً بدون دادگاه‌ای محاکمه شش ماه حبس خواهد بود. مستند «استرداد با تاخیر، از عبدا... موطان که در بخش بین الملل هجدهمین جشنواره فیلم مستند ایران «سینماحقیقت»، روی پرده رفت، جایزه ویژه هیات داوران بخش غزه شامل جایزه نقدی، تندیس و لوح افتخار را به دست آورد.



قاب

رویداد

درخشش آثار ایرانی در داکا

در مراسم اختتامیه بیست‌وسومین جشنواره بین المللی فیلم داکا، سه جایزه به دو فیلم ایرانی در بخش رقابتی فیلم‌های آسیایی اختصاص یافت. به گزارش ایسنا، بیست‌وسومین جشنواره بین المللی فیلم داکا با برگزاری مراسم اختتامیه



در سالن موزه ملی بنگلادش طی چند روز گذشته با معرفی برندگان بخش‌های مختلف به کار خود پایان داد. در مراسم اختتامیه جشنواره سه جایزه شامل دو تندیس و یک تقدیرنامه هیات داوران به دو فیلم از ایران در بخش رقابت فیلم‌های آسیایی تعلق گرفت. رایان سرلک برنده جایزه و تندیس بهترین بازیگر مرد برای فیلم «تابستان همان سال» به کارگردانی محمود کلاری و دیمان زندی برنده جایزه و تندیس بهترین بازیگر زن برای فیلم «ملودی» به کارگردانی بهروز بسط رسول شدند. محمود کلاری کارگردان فیلم «تابستان همان سال» نیز برای این فیلم، تقدیرنامه بهترین کارگردانی هیأت داوران را دریافت کرد. بیست‌وسومین جشنواره فیلم داکا از ۳۰ تا ۴۰ دی برابرا ۱۹ تا ۲۹ ژانویه در بنگلادش برگزار شد.